

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گفته‌ها

در قانون آیین دادرسی کیفری  
اصول حاکم بر دادرسی کیفری و

انواع دعاوی

(دکترین و رویه قضایی)

جلد اول



تدوین:

موسی رحیمی

محمد مهدی مخبریان نژاد

رضا رحیمی دهسوری

انتشارات چتر دانش

عنوان قراردادی	ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	اصول حاکم بر دادرسی کیفری و انواع دعاوی (دکترین و رویه قضایی) / تدوین موسی رحیمی، محمدمهدی مخبریان نژاد، رضا رحیمی دهنسوری.
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۱۰۵ص:؛ ۲۱/۵×۱۴/۵س.م.
فروست	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ ج. ۱.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۱۳-۲ : دوره ؛ ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۱۷-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
یادداشت	عنوان دیگر: گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری اصول حاکم بر دادرسی کیفری و انواع دعاوی (دکترین و رویه قضایی).
عنوان دیگر	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری اصول حاکم بر دادرسی کیفری و انواع دعاوی (دکترین و رویه قضایی).
موضوع	آیین دادرسی جزایی — ایران Criminal procedure — حقوق جزا — ایران Criminal law — حقوق جزا — ایران — دعاوی Crime law — Iran — Cases اقدامه دعا — ایران Actions and defenses —
شناسه افزوده	رحیمی، موسی، ۱۳۴۸ -
شناسه افزوده	ص: رحیمی دهنسوری، رضا، ۱۳۶۶ -
شناسه افزوده	مخبریان نژاد، محمدمهدی، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری؛ ج. [ ۱ ].
رده بندی کنگره	KMH۴۶۰۴ :
رده بندی دیویی	۳۴۵/۵۵۰۵ :
شماره کتابشناسی ملی	۸۵۶۹۰۶۶ :
اطلاعات کورد کتابشناسی	فیفا

نام کتاب	گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری اصول حاکم بر دادرسی کیفری و انواع دعاوی (دکترین و رویه قضایی) جلد اول
ناشر	چتر دانش
تدوین	موسی رحیمی- محمد مهدی مخبریان نژاد- رضا رحیمی دهنسوری
نوبت و سال چاپ	اول - ۱۴۰۱
شمارگان	۱۰۰۰ :
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۱۷-۰ :
قیمت	۶۰۰۰۰ تومان :

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منحصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

## پیشگفتار

۴۵ به نام خداوند بخشاینده مهربان

همان به که نیکی بود یادگار	نباشد همی نیک و بد پایدار
نخواهد بدن مر تو را سودمند	همان گنج دینار و کاخ بلند
سخن را چنین خوار مایه مدار	سخن ماند از تو همی یادگار
ز گوهر ورا پایه برتر سزید	سخن را سخن دان ز گوهر گزید
چنان کن که بر داد پویی همی	تو ای آن که گیتی بجویی همی

شاهنامه فردوسی

سلامت و سعادت فرد و جامعه و روح و جسم در گرو کسب رضای خداست<sup>۱</sup> احکام الهی، حدود و مرزهایی است که خداوند مقرر داشته است و اجازه تجاوز<sup>۲</sup> و حتی نزدیک شدن به آن‌ها را نمی‌دهد<sup>۳</sup> یکی از وظایف حکومت برقراری نظم و مجازات تعدی‌کنندگان به حدود الهی است<sup>۴</sup>، دستیابی به حقیقت مستلزم جمع آوری دلایل، تحقیق از متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط در فرآیند دادرسی است، به‌گونه‌ای که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد نشود، شرافت آیین دادرسی کیفری از آن جهت است که عهده‌دار بیان سازوکارهای رعایت و تضمین عدالت در فرآیند تحقیق، رسیدگی و اجرای حکم است، و اهمیتش به این خاطر است که قوانین جزایی ماهوی را از حالت سکون خارج کرده و با در اختیار قرار دادن ابزار مناسب، مسیر را جهت اجرای عدالت ریل‌گذاری می‌کند.

با توجه به گستردگی منابع مورد نیاز جامعه حقوقی، کتاب حاضر که دفتری از مجموعه ای ۲۰ جلدی است به معرفی اصول حاکم بر دادرسی کیفری و انواع

۱. سوره مائده، آیه ۱۶ ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾

۲. سوره بقره، آیه ۲۲۹ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۷ ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا﴾

۴. سوره صاف، آیه ۲۶ ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾

دعاوی اختصاص یافته است و به شرح و تفسیر مواد قانونی مرتبط با معرفی اصول حاکم بر دادرسی کیفری و انواع دعاوی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به ترتیب زیر پرداخته است:

- نظریه‌های شورای نگهبان
- دکترین و اندیشه‌های حقوقی
- منابع معتبر فقهی و فتاوی مشهور فقیهان
- آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور
- آرای قضایی شعب دادگاه بدوی و تجدیدنظر و دیوان عالی کشور
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه
- نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح
- قوانین و مقررات مرتبط

از اندیشمندان و دانشجویان گرامی تقاضا دارد از طریق نشانی‌های زیر با ارائه پیشنهادها و نظرات نگارندگان را مورد عنایت و لطف قرار داده و یاری رسانند.

موسی رحیمی

MosaRahimi@hotmail.com

مهدی مخبریان نژاد

Mm\_mokhberiannejad@yahoo.Com

رضا رحیمی دهنسوری

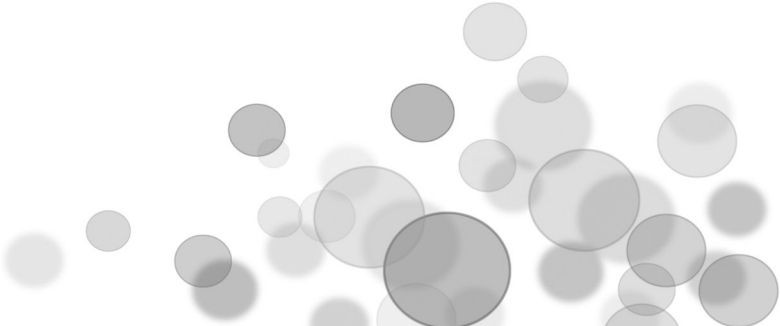
RezaRahimi127@yahoo.Com

## فهرست

پیشگفتار.....	۴
فصل اول - تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن.....	۷
بند ۱- تعریف آیین دادرسی کیفری.....	۸
بند ۲- اصول حاکم بر دادرسی کیفری.....	۱۲
فصل دوم- دعوای عمومی و دعوای خصوصی.....	۲۷
بند ۱- تعریف دعوای عمومی و دعوای خصوصی.....	۲۸
بند ۲- صلاحیت طرح دعوای عمومی و دعوای خصوصی.....	۳۲
بند ۳- شرایط موقوف شدن تعقیب یا اجرا.....	۳۶
بند ۴- ضرر و زیان های قابل مطالبه و شرایط آن.....	۶۱
الف- ضرر و زیان های قابل مطالبه.....	۶۱
ب- شرایط مطالبه ضرر و زیان.....	۷۳
پ- تکالیف محاکم در خصوص ضرر و زیان مطالبه شده.....	۸۱
پیوست قوانین و مقررات.....	۹۳
فهرست منابع.....	۹۷



**فصل اول – تعریف آیین دادرسی  
کیفری و اصول حاکم بر آن**



## بند ۱- تعریف آیین دادرسی کیفری

**ماده ۱-** آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

لفظ «اصول» در عنوان فصل اول، جمع مکسر «اصل» و اصل در اصطلاح حقوقی عبارت است از: ایده‌ای که مجموعه‌ای از مواد قانونی حول آن ارائه می‌شود؛ منشاء اصل، روح قانون یا برآیند نظریات حقوقدانان یا نظم خاصی است؛ در زبان فلاسفه، اصول حقوقی، مجموعه ارزش‌های حاکم بر یک نظام حقوقی است؛ اصول دارای انواعی است که بین آنها سلسله مراتب وجود دارد. در صدر آن، اصول طبیعی مثل حق حیات و حق کار قرار دارند. بعضی ثابت، پاره‌ای قابل تغییر، دسته‌ای بدیع و گروهی سنتی هستند؛ اصل هم چون قاعده دارای کلیت است، اما با درجاتی متفاوت؛ اصل مهم‌تر و کلی‌تر از قاعده حقوقی است؛ وجود اصول موجب ارتقای سلامت ساختار حقوقی و فقدان آنها موجب آشفتگی و بی‌نظمی حقوقی است. (ر.ک: ژان بولانژه؛ اصول کلی حقوق و حقوق موضوعه، ص ۱).

واژه «حاکم» در عنوان فصل اول، به «حکومت» مصطلح در اصول فقه باز می‌گردد؛ به این معنا که یکی از دو دلیل در موضوع دلیل دیگر یا در محمول آن به نحو توسعه یا تضییق، تصرف کند، از این رو در موارد سکوت، تعارض یا اجمال قانون آیین دادرسی کیفری، می‌توان با مراجعه به این اصول حکم را کشف یا با تقدم دلیل حاکم تعارض را حل کرد، همچنین با توسعه یا تضییق دایره شمول آن اجمال و تردید را برطرف ساخت.

«قواعد» متضمن حکمی از احکام



است. ماده ۳۵۲: محاکمات دادگاه علنی است. ماده ۳۰۱: دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد. ماده ۳۱۱: شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد. ماده ۳۳۹: پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌الیه، اخذ و به شعبه دیگر. ماده ۳۵۲: محاکمات دادگاه علنی است. ماده ۳۸۲: دادگاه کیفری یک فقط در صورت صدور کیفرخواست و در حدود آن مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند. ماده ۴۴۹: دادگاه به ترتیب وصول پرونده‌ها به نوبت رسیدگی می‌کند. تبصره ماده ۴۵۵: عدم رعایت تشریفات دادرسی، موجب نقض رأی نیست. ماده ۴۵۸: دادگاه تجدیدنظر استان نمی‌تواند مجازات تعزیری یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم تجدیدنظر خواسته را تشدید کند. ماده ۴۶۶: شعب دیوان عالی کشور به نوبت به پرونده‌ها رسیدگی

کلی است که بتواند نسبت به مصادیق کثیری تطبیق پذیر باشد، مانند: ماده ۱۳: تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود. ماده ۹۶: انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است. ماده ۱۰۲: انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم مُنافی عِفْت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست. ماده ۱۴۰: تفتیش و بازرسی منزل در روز به عمل می‌آید. ماده ۱۵۰: کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است. ماده ۲۳۷: صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست. ماده ۳۰۰: در تمامی جلسات دادگاه‌های کیفری دو، دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان می‌توانند برای دفاع از کیفرخواست حضور یابند. ماده ۱۹۲: تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی

شمارش مصداق‌ها می‌باشد و در حقیقت، نویسندگان توانسته و یا نخواستند با آوردن حد و رسم، آیین دادرسی کیفری را تعریف نمایند. (ر.ک: آخوندی، آ.د.ک، ج ۱، ص ۶۰).

«صلاحیت» و «آدله اثبات» دو موضوع مهم مقررات آیین دادرسی کیفری است که در این ماده به آن‌ها اشاره نشده است. (خالقی، آ.د.ک، ص ۲۵).

«حکم» به آرای صادره از دادگاه در ماهیت اطلاق می‌شود ولی «رأی» اعم است از حکم و قرار، از این رو قانون‌گذار اصطلاح «اجرای آرا» را به جای «اجرای احکام» به کار برده است تا شامل اجرای قرارها مانند قرار تأمین خواسته، قرار قبولی وثیقه و حتی امور اجرایی مربوط به قرار منع تعقیب و امثال آن در راستای اعمال ماده ۲۱۵ ق.م.ا و ۱۴۷ این قانون گردد.

به کارگیری واژه «تعقیب متهم» به جای واژه «تعقیب مجرمان» نشان از توجه مقنن به جایگاه و

می‌کنند. ماده ۴۶۸: رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور بدون احضار طرفین دعوا یا وکلای آنان انجام می‌شود. ماده ۴۸۲: نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌شود، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نمی‌شود. ماده ۴۹۴: عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری شروع می‌شود و به هیچ وجه متوقف نمی‌شود. ماده ۴۹۹: اجرای علنی مجازات ممنوع است. به مقتضای قاعده «ما من عام الا و قد خص» معمولاً هر قاعده کلی استثنائاتی نیز دارد که با مراجعه به مواد یاد شده می‌توان مشاهده کرد.

مقررات این قانون دربرگیرنده جرایم تعزیری است، همانطوری که حدود، قصاص و دیات را در جایی که معارض با احکام مقرر در شرع نباشد شامل می‌شود، موارد خاص در مواد قانونی، مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است.

تعریف مذکور، نه جامع افراد است و نه مانع اغیار بلکه صرفاً

«مجرم» اطلاق می‌شود. قوانین مرتبط: از ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، ماده ۲: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. تبصره ۱ ماده ۱۰۵ اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضائی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضائی انجام می‌دهند. از ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸: ماده ۱- آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف و تحقیق جرائم و تعقیب مجرمان و نحوه رسیدگی و صدور رأی و تجدیدنظر و اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی وضع شده است. از آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت ماده ۵۲: به جز در مواردی که در این قانون تصریح شده است، وظائف و اختیارات

نقش، اصل برائت در رسیدگی‌های کیفری است. (آشوری، آ.د.ک، ج ۱، ص ۱۲). از نوآوری‌های این ماده، تصریح به میانجی‌گری، صلح میان طرفین، تعیین وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه است. هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود (ماده ۲ ق.م.ا) در فرآیند دادرسی، مظنون کسی است که در مرحله کشف و تعقیب در مظان اتهام قرار می‌گیرد؛ مشتکی‌عنه مظنونی است که دارای شاکی خصوصی است و متهم شخصی را گویند که پس از احضار یا جلب، توسط مقام قضایی و نه ضابط به او تفهیم اتهام می‌شود و مجرم به شخصی اطلاق می‌شود که انتساب اتهام به وی محرز باشد و محکوم‌علیه شخصی است که محکومیت وی قطعی شده باشد؛ هرچند به همه این اشخاص از باب تسامح در تعبیر، واژه «متهم» و

قضات دادسرا و دادگاه حسب دادرسی کیفری می‌باشد.  
مورد بر طبق مقررات عمومی آیین

## بند ۲- اصول حاکم بر دادرسی کیفری

**ماده ۲-** دادرسی کیفری باید مُستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوا را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.

میان شما طبق گواهی گواهان و سوگندها دادرسی می‌کنم و چه بسا برخی از شما از برخی دیگر بهتر دلیل می‌آورد؛ بنابراین، هر فردی که من از مال بردارش چیزی را برای او (به واسطه بینه یا سوگند دروغ) جدا کنم، تنها برای او با آن، قطعه‌ای از آتش جدا کرده‌ام. (حر عاملی، وسائل‌الشیعه، باب- ۹ و ۱۰- من ابواب کیفیت الحکم).

«اصل قانونی بودن حقوق جزا» یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری است که خود دارای دو جنبه‌ی ماهوی و شکلی است. جنبه ماهوی این اصل، تحت عنوان «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» در حقوق کیفری ماهوی مورد بحث قرار می‌گیرد و جنبه شکلی آن، اصل

آیات متعددی از قرآن اصل قانونی بودن مجازات‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند از جمله «و ما کُنَّا مُعَذِّبِینَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء، آیه ۱۵). تا رسولی نفرستادیم و بر خلق اتمام حجت نکردیم هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد. «لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل» (نساء، آیه ۱۶۵). تا بعد از فرستادن رسولان مردم را بر خدا حجتی نباشد.

در روایات نیز به مفاد اصل قانونی بودن تصریح شده است پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إنما اقصی بینکم بالبینات والایمان و بعضکم ألحن بحجته من بعض فأیما رجل قطع له من مال أخیه شیئا فإنما قطع له به قطعة من النار». تنها من در

کیفری» شروع می‌شود.  
ماده ۹ قانون اصلاح ق.آ.د.ع.ا.ک مصوب ۱۳۷۸ مقرر می‌داشت: «قرارها و احکام دادگاه‌ها باید مستدل بوده و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است»، نسخ این ماده و عدم تصریح به واژه «شرع» و در نظر گرفتن مفاد ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی، حاکی از انحصار عناوین مجرمانه در مواردی است که از سوی قانون‌گذار جرم انگاری شده است.  
در اصل ۳۶ قانون اساسی، قانون‌گذار تصریح و تأکید دارد که هرگونه اعمال حق به صورت خصوصی ممنوع است ولی در ماده ۲ ق.آ.د.ک نظر قانون‌گذار بر این است که مقام قضائی باید در رسیدگی قانون را مبنا قرار دهد. در این معنا، هرگونه تعقیب، احضار و تحقیق و تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین و صدور قرارهای نهایی و رسیدگی و اجرای حکم باید بر اساس قانون باشد. (رحمدل،

«قانونی بودن دادرسی کیفری» نامیده می‌شود. (خالقی، آ.د.ک، ص ۲۶).  
مقصود از قانون در معنی اخص مقرراتی هستند که با تشریفات مندرج در قانون اساسی به تصویب قوه مقننه می‌رسند. با عنایت به اصول ۵۷، ۷۴، ۸۵، ۹۴، ۱۲۳ قانون اساسی و ماده ۳ ق.م فقط مصوبات مجلس شورای اسلامی را می‌توان قانون نامید مع‌ذلک قوانینی که ممکن است مستند حکم دادگاه قرار گیرد منحصر به قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نمی‌باشند. (اردبیلی، حقوق جزای عمومی ج ۱، ص ۱۳۰).  
ماده بالا و مواد ۲ و ۱۲ ق.م.ا از مهم‌ترین منابع اصل قانونی بودن جرائم، مجازات‌ها و دادرسی کیفری است. به اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری نیز در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تصریح شده است تا جایی که فصل چهارم ق.م.ا با عنوان «قانونی بودن جرائم، مجازات‌ها و دادرسی

آ.د.ک، ج ۳، ص ۳۱).  
دو هدف مهم آیین دادرسی کیفری تأمین منافع اجتماع و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد می‌باشد. (الهی‌منش و رحیمی، آ.د.ک، ج ۱، ص ۳۲).  
حضرت آیت الله خامنه‌ای در پاسخ به این سؤال که آیا قضات مأذون که فعلاً به عنوان رئیس یا دادرس دادگاه اشتغال دارند، حاکم شرع محسوب می‌گردند یا خیر؟ می‌فرماید: «قضات محترم منصوب از سوی مقام مسئول شرعی و قانونی موظف‌اند طبق مقررات نصب، وفق ضوابط و قوانین موضوعه عمل نمایند» (گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۵۲۰۶).  
قاعده قبح عقاب بلا بیان، از قواعد عقلی و مبتنی بر پذیرش حسن و قبح عقلی است؛ مفهوم آن این است که کیفرکردن شخصی که از جانب شارع بیانی بر تکلیف، به وی نرسیده، در نزد عقل زشت و ناپسند است. این قاعده با اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق موضوعه قابل‌مقایسه است.  
قوانین مرتبط: از همین قانون ماده ۳۴۷.  
از قانون اساسی اصل سی و ششم: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد. اصل پنجاه و ششم: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق‌اللهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند. اصل سی و هفتم: اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. اصل سی و نهم: هتک حرمت و حیثیت کسی که به‌حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. اصل یک‌صد

و شصت و ششم: احکام دادگاه‌ها از قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب (۱۳۸۳) بند دوم: محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود رأی مستند و مستدل به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) در صورت نبودن قانون قطعی نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

از قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰: ماده ۱۵- مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه چهار تا هفت محکوم خواهند شد: ۱- صدور رأی غیر مستند یا غیر مستدل و شصت و ششم: احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

از ق.م.ا مصوب (۱۳۹۲) ماده ۱۲: حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد. ماده ۱۳ حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.

**ماده ۳-** مراجع قضائی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.

به بخش خصوصی، تجویز استفاده از سامانه‌ی رایانه‌ای و مخابراتی برای ابلاغ اوراق قضائی (ماده ۱۷۵)، صدور کیفرخواست شفاهی (ماده ۸۶)، تجویز اعزام بازپرس به خارج از حوزه قضائی جهت امر تحقیق (ماده ۱۲۲) و ایجاد انگیزه در متهم برای تسلیم به رأی (ماده ۴۴۲) طرح مستقیم جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، در دادگاه (ماده ۳۴۰) در راستای توجه قانون‌گذار به اصل سرعت در رسیدگی‌های کیفری است.

بی‌طرفی، وصفی ذهنی و به معنای عدم تمایل مرجع قضائی به یک طرف دعوا است و استقلال، وصفی عینی و به معنای نفوذناپذیری مرجع قضائی در برابر فشارهای بیرونی است. (خالقی، آ.د.ک، ص ۲۷).

بازپرس و دادیار در پرونده‌هایی که به آن‌ها ارجاع می‌شود با انجام تحقیق، نظر خود را به صورت مستقل اعلام می‌کنند و تبعیت بازپرس از دادستان در برخی

این ماده سه اصل از اصول دادرسی منصفانه را بیان می‌کند. الف) بی‌طرفی مقام قضائی ب) استقلال مقام قضائی ج) تسریع در فرآیند دادرسی.

فرمان حضرت علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر به اصول دادرسی مذکور در ماده بالا و ماده قبل و بعد از آن، اشاره زیبایی دارد، آنجا که در بیان صفات قاضی می‌فرماید: چون حقیقت را شناخت در گرایش به آن درنگ ننماید و نفسش به آزمندی متمایل نگردد و به اندک فهم، بی‌آنکه به عمق حقیقت رسد، بسنده نکند، قاضی تو باید، از هر کس دیگر موارد شبهه را بهتر بشناسد و بیش از همه به دلیل متکی بوده و در کشف حقیقت، شکیباتر از همه باشد و چون حکم آشکار شد، قاطع رأی دهد. چرب‌زبانی و ستایش به خود پسندیش نکشاند. از تشویق و ترغیب دیگران به یکی از دو طرف دعوا متمایل نشود. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

تجویز واگذاری ابلاغ اوراق قضائی



کیفری است و رسماً علیه متهم به صدور و دفاع از کیفرخواست اقدام می‌کند. از این رو دادستان تخصصاً از شمول ماده ۳ خارج است.

بی‌طرفی قاضی مستلزم آن است که وی نسبت به قضیه مورد رسیدگی دچار پیش‌داوری نشود، به خود اجازه ندهد که تحت تأثیر عوامل خارج از پرونده مانند احساسات عمومی، تبلیغات رسانه‌ای، گرایش‌های درونی همچون تمایلات عاطفی، تعلقات خانوادگی، قومی، نژادی، عقیدتی و غیر آن قرار گیرد. بلکه نظر و رأی خود را بر استدلال‌های عینی مبتنی بر آنچه طی دادرسی ارائه شده استوار سازد. (۳۷.pieter, p).

قاضی نباید به یکی از متخاصمان مطلبی القا کند که موجب اضرار طرف دیگر گردد. همچنین نباید روش‌های استدلال و احتجاج را به یکی از طرفین بیاموزد زیرا با این کار باب منازعه را باز می‌کند درحالی‌که منصوب شده است برای بستن آن. «لا يجوز للحاکم أن یلقن

موارد، همچنین متبع بودن نظر دادستان برای دادیار با استقلال آن‌ها در انجام تحقیقات و اظهار نظر نهایی منافات ندارد.

در نظام دادرسی منصفانه اصلی وجود دارد تحت عنوان «استقلال مقام تحقیق در برابر مقام تعقیب» به معنی استقلال بازپرس در برابر دادستان است. نتیجه این اصل عبارت است از: الف) بازپرس نیاری به کسب نظر دادستان در تصمیماتش ندارد مگر در موارد مصرح. ب) در موارد لزوم کسب نظر دادستان، نظر دادستان برای بازپرس متبع نیست و حل اختلاف با مرجع ثالث و بی‌طرف یعنی دادگاه است. این اصل در مواردی مورد خدشه قرار گرفته است از قبیل ماده ۹۱ که مقام تعقیب و تحقیق یکی می‌شود و ماده ۲۲۱ که در صورت عدم احراز ملاتت کفیل توسط بازپرس، تبعیت از نظر دادستان را الزامی می‌داند.

دادستان مقام تعقیب و مدعی‌العموم است، یکی از اصحاب دعوای

أحد الخصمین ما فیه ضررعلی خصمه... و کذا لا یجوز أن یهدیه لوجوه الحجاج و نحوها مما یتظهر به علی خصمه لأن شرع ذلک یفتح باب المنازعة و قد نصب لسدها». (نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۱۴۴).

مراجعه شود. از قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ ماده ۱۷: مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه هشت تا سیزده محکوم می‌شوند:

۱- گزارش خلاف واقع و مغرضانه قضات نسبت به یکدیگر. ۲- خروج از بی‌طرفی در انجام وظایف قضایی

قوانین مرتبط: برای دیدن جلوه‌های برخورداری از این حق، به مواد ۵، ۳۴، ۳۵، ۴۹، ۴۶، ۴۸، ۹۴، ۱۹۰، ۱۹۳ و ۱۹۵. از همین قانون

**ماده ۴-** اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

«برائت» در لغت به معنی رهایی، خلاصی، بیزاری از چیزی، تخلص، پاک شدن از عیب و تهمت و خلاص شدن از قرض به کاررفته است (دهخدا، لغت‌نامه) و در اصطلاح اصولیان از چهار اصل برائت، احتیاط، تخییر و استصحاب به‌عنوان اصول عملیه یاد می‌شود، منظور از اصل برائت این است که در مواردی که مکلف شک دارد آیا تکلیفی بر عهده او است، موظف به انجام آن نیست، اصل برائت با عنوان «فرض بی‌گناهی» در علم حقوق تناسب دارد.

اصل عملی در مواردی چون، فقدان دلیل اثباتی، تعارض ادله و نبود مرجح، قابل استناد است «الاصل دلیل حیث لا دلیل».

از آثار فرض بی‌گناهی این است که بار اثبات بر عهده دادستان

پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۱۱۶).

اصل برائت از نظر فقیهان فقط در شبهات حکمی جاری می‌شود اما قاعده‌ی درأ، هم در شبهات حکمی و هم شبهات موضوعی از عوامل سقوط مجازات است. «ادْرَأُوا الْحُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ». (ر.ک: نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۴۶۳). امام خمینی (ره) می‌فرماید: «لأحدّ علی الجاهل بالحکم و الموضوع او احدهما اذا امکن الجهل بالحکم فی حقه» (تحریر الوسیله، کتاب الحدود ج ۲ ص ۴۳۰ مسئله‌ی اول).

در مورد رابطه‌ی قاعده‌ی درأ با اصل برائت به معنای اصطلاحی آن در علم اصول فقه گفته شده: گاهی شبهه در عنصر مادی، گاهی در عنصر معنوی و در مواردی نیز در عنصر قانونی جرم مطرح می‌شود. چنانچه قاعده‌ی درأ بر مبنای شبهه در عنصر مادی یا معنوی باشد این قاعده هیچ رابطه‌ای با برائت ندارد؛ زیرا اصل برائت منحصرأً برای برداشتن تکلیف است؛ آن‌هم در

است و هرگونه تردیدی باید به نفع متهم تفسیر گردد، همچنین این دادستان است که باید متهم را از اتهام و دلایل آن آگاه کند تا آن‌که بتواند دفاعیاتش را آماده سازد و هم اوست که باید دلایل کافی برای محکومیت متهم ارائه کند.

(Messegue and Jabardo, para 77)

اصل تفسیر مضیق ریشه در اصل تفسیر به نفع متهم دارد و اصلِ اخیر نیز ریشه در قاعده قانونی بودن جرم و مجازات و قاعده قانونی بودن جرم و مجازات ریشه در اصل برائت و اصل برائت مبتنی بر قاعده «قیح عقاب بلا بیان» می‌باشد و مجرای اعمال اصول عملیه حالت شک می‌باشد و به همین دلیل است که در صورت دسترسی به هر دلیلی که بیانگر مراد مقنن باشد نوبت به اجرای اصل تفسیر مضیق نخواهد رسید. برخی معتقدند: «اصل آن است که قوانین ارفاق آمیز نسبت به متهم به‌طور موسّع تفسیر شود و این امر در مورد قوانین ماهوی و شکلی هر دو صادق است». (صانعی،

تهران، تابستان ۱۳۹۲، ص ۳۳۱).  
قوانین مرتبط: از همین قانون مواد ۵۲ و ۱۶۸ از جلوه‌های اصل برائت می‌باشند.

از قانون اساسی، اصل ۳۷: اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. اصل ۳۸: هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. اصل ۳۹: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

از ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲: ماده ۱۲۰- هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت

زمانی که حکم واقعی الهی مجهول باشد؛ اما اگر جریان قاعده‌ی درأ بر اساس شبهه در عنصر قانونی جرم باشد، با اصل برائت وحدت مجرا پیدا می‌کند. (ر.ک: محقق داماد، قواعد فقه ج ۴، ص ۸۷).

رابطه اصل برائت به معنای حقوقی یعنی فرض بی‌گناهی متهم با قاعده درأ عام و خاص مطلق بوده و تفاوتی از نظر مجرا نخواهند داشت. به‌رحال در صورت اجرای قاعده درأ نیز حکم به برائت متهم صادر می‌شود.

با توجه به ادله روایی و نظریات فقیهان سوگند در تعزیرات و حدود اعتبار ندارد، بنابراین اگر مدعی بر ادعای خویش اقامه دلیل کند به ادله اخذ می‌شود و الا ادعای او بدون سوگند دادن متهم رد می‌شود. (پرسمان فقهی، قضایی ۱، ج ۱، ص ۲۷۰).

دادگاه در صورت عدم احراز بزه باید حکم برائت صادر کند نه قرار منع تعقیب. (ر.ک: مجموعه آرای قضائی دادگاه‌های تجدیدنظر استان

مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه پس از انجام تحقیقات... اگر مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب بداند، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می‌کند.

از قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب: ۱۳۸۲/۰۲/۱۵ ۲- محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر براءت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد ۳- حاکم و دادرها مکلف‌اند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند. ۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و

نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود. ماده ۱۲۱- در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: ماده ۲۶۵- بازپرس در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان آدله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر... و ماده ۳۴۱- هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک ماه، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند... و ماده ۳۴۰- جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود. در این مورد و سایر

مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد. ۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند. ۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد. ۸- بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فAMILI و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد. ۹- هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده بدین‌وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

**ماده ۵-** متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و آدله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

به کسی که فاعل جرم تلقی شده ولی هنوز انتساب جرم به او محرز نشده، متهم گفته می‌شود. (لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۱۴). عمل مجرمانه‌ای به سمت او نشانه رود. از این‌رو باید به تدابیر پیش‌بینی‌شده در قانون گردن نهد تا شبهات به وجود آمده در بوته آزمایش و مورد ارزیابی قرار گیرد و گناهکاری یا بی‌گناهی او آشکار شود. (اشرف توفیق، شرح قانون

تبیین شود که قابل فهم بوده تا متهم بتواند از خود دفاع کند. (Van Dijk, ۴۳.p).

قوانین مرتبط: از قانون اساسی اصل سی و پنجم: در همه دادگاهها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. از همین قانون: به مواد ۱۹۰ و ۶۸۹ که درباره تبیین اتهام نسبت به نماینده شخص حقوقی است مراجعه شود. در مورد حقوق دیگر متهم مواد ۶ و ۵۲ و نکات ذیل آن دیده شود.

الاجراءات الجنائیة، ص ۴۳).  
در حقیقت این ماده به نوعی مقام قضائی را مکلف می کند تا به متهم تفهیم اتهام شود و به او آگاهی داده شود که حق تعیین وکیل مدافع را دارد که این جهت دوم (آگاهی دادن به ایشان جهت معرفی وکیل) امر تازه‌ای است. (ر.ک: آخوندی، آ.د.ک، ج ۱، ص ۷۳).

یکی از حقوق بنیادی متهم «اطلاع از ماهیت و سبب اتهام» است، ماهیت و علت اتهام صرفاً به معنای توصیف حقوقی آن نیست، بلکه شامل وقایع مربوط به آن هم می‌شود، باید عمل ارتكابی به نحوی

**ماده ۶-** متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

قوانین مرتبط: از قانون اساسی اصل سوم، بند چهاردهم: تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون. مطابق ماده ۱۹۱ همین قانون از جمله حقوق دیگر اصحاب پرونده دسترسی به اوراق پرونده است.

منظور از «سایر افراد ذی ربط» در ماده فوق، اعلام کننده جرم، مطلع و خانواده آنها و نیز خانواده افراد مذکور در این ماده است که بر طبق قانون حاضر، از حقوقی از جمله حق حمایت در برابر تهدیدات، برخوردارند. (خالقی، آ.د.ک، ص ۲۹).

همچنین حق داشتن وکیل در ۹۷، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۳۹، ۴۰، ماده ۱۹۰ یا حقوق مقرر در مواد است.

**ماده ۷ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴)** - در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آن‌که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

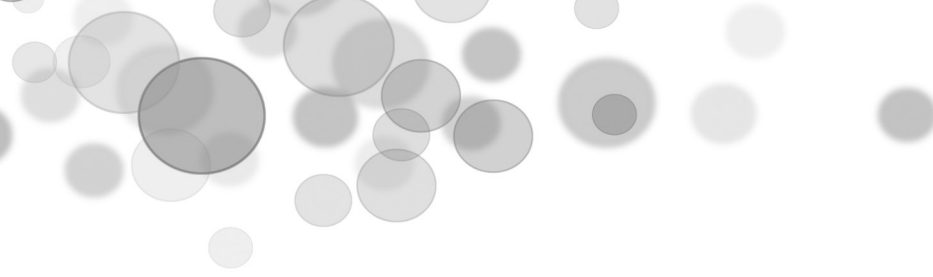
در همین راستا، جبران ضرر و زیان شاکی و متهم، ممنوع بودن شنود و کنترل ارتباطات مخابراتی افراد، حق متهم برای تماس تلفنی با خانواده، نظارت رئیس دادگستری استان در کیفیت تفتیش و بازرسی منازل و محل کار برخی از مقامات دولتی، نظارت دادستان نسبت به امور ضابطان دادگستری، حق اعتراض متهم نسبت به قرارهای منتهی به بازداشت و همچنین نسبت به عدم پذیرش کفیل یا وثیقه، حق برخورداری از انتخاب وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، موضوع مواد ۱۴، ۱۵۰، ۵۰، ۱۲۸، ۲۲۶، ۱۹۰ از توجه ویژه قانون‌گذار

به رعایت حقوق شهروندی حکایت دارد. (مصدق، آ.د.ک، ص ۳۷).  
قوانین مرتبط: از قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) اصلاحی ۱۳۸۱/۱۰/۱: ماده ۵۷۰ - هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک‌تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

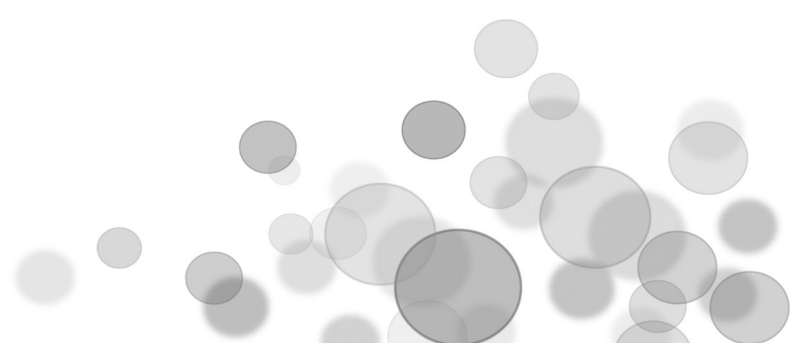


به «قانون احترام به آزادی‌های در بخش (پیوست قوانین و مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مقررات) مراجعه شود.





**فصل دوم – دعوی عمومی و دعوی  
خصوصی**



## بند ۱- تعریف دعوای عمومی و دعوای خصوصی

**ماده ۸-** محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می‌تواند دو حیثیت داشته باشد:

الف- حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی

ب- حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین

عبارت «جرم که دارای جنبه الهی است» در متن پیش‌نویس وجود نداشت و عبارت لایحه قانون آ.د.ک چنین بود: «محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است. جرم از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی دارای جنبه عمومی و از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین دارای جنبه خصوصی است»

به دنبال ایرادهای شورای نگهبان بدین شرح که: «واژه جرم در ماده (۸) از این حیث که آیا مراد از آن، جرم قانونی است یا اعم از جرم شرعی و قانونی، روشن نیست و ابهام دارد... با توجه به این‌که کلیه جرائم در نظام اسلامی دارای جنبه الهی هستند و حقوق الهی در بسیاری از آن‌ها ملاحظ نظر قرار گرفته است، بنابراین حقوق جامعه و نظم عمومی را در مقابل حفظ حدود و مقررات الهی قرار دادن در ماده (۸) نادرست است و باید دو بند این ماده اصلاح شوند» متن پیشنهادی تغییر یافت.

رسیدگی به حیثیت و جنبه عمومی بزه موضوع اصلی آیین دادرسی کیفری و رسیدگی به حیثیت و جنبه خصوصی بزه موضوع فرعی آیین دادرسی کیفری می‌باشد. (الهی‌منش و رحیمی، آ.د.ک، ج ۱، ص ۲۸).

هر جرمی لزوماً حیثیت عمومی دارد، زیرا اگر چنین جنبه‌ای نداشت جرم تلقی نمی‌شد، ولی فقط بعضی جرائم علاوه بر حیثیت

جرمی علاوه بر آثار وضعی دارای حرمت تکلیفی نیز هست، به‌ویژه با این دیدگاه فقهی که تخلف از قوانین و مقررات نظام اسلامی را جایز نمی‌داند.

نویسندگان قانون، اشتباه نابخشودنی خود را تکرار نموده‌اند، اگرچه ادبیاتی که در این رهگذر برگزیده‌اند، یک مقدار ملایم‌تر از ادبیات قانون پیشین است زیرا آنچه ممکن است جنبه‌ی الهی داشته باشد مجازات است نه جرم. (ر.ک: آخوندی، آ.د.ک، ج ۱، ص ۲۲۹).

این‌که همه جرائم دارای جنبه الهی هستند مانع رسیدگی غیابی نیست زیرا محکومیت غیابی در حق الله محض، ممکن نیست.

نظم عمومی شامل قواعد و سازمان‌هایی است که غرض از وضع و ایجاد آن حفظ منافع عمومی و تامین حسن جریان امور عمومی (امور اداری و سیاسی و اقتصادی) و حفظ خانواده می‌باشد و اراده افراد نمی‌تواند آن‌ها را

عمومی، حیثیت خصوصی هم دارند. به همین دلیل در ماده فوق از کلمه «می‌تواند» استفاده شده است. حمل سلاح بدون مجوز فقط حیثیت عمومی، ولی سرقت دو حیثیت عمومی و خصوصی را دارد. (خالقی، آ.د.ک، ص ۳۰).

با توجه به مجموعه مقررات کیفری از جمله ماده ۱۰۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ و فلسفه کشف جرم و مجازات مجرمان چنین استنباط می‌شود که اصل بر حیثیت عمومی داشتن جرم است و خصوصی بودن آن نیاز به تصریح قانون‌گذار دارد.

ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی در تعریف تعزیر می‌گوید: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد» از مذاقه در متن ماده بالا فلسفه این‌که قانون‌گذار در ماده ۸ آ.د.ک جرم را دارای جنبه الهی دانسته روشن می‌شود زیرا از نظر قانون‌گذار هر

نقض نماید، و اصطلاحاً قواعد امری نامیده می‌شود. (الماسی، تعارض قوانین، ص ۱۲۹).

نظر به این که ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بدواً جرم را واجد جنبه الهی قلمداد و سپس آن را به اعتبار داشتن یا نداشتن حیثیت عمومی به دو نوع تقسیم کرده است؛ لذا تمامی جرائم، واجد جنبه الهی می‌باشند؛ زیرا ارتکاب جرم، درهرحال، به معنای نقض یکی از فرامین الهی است و «جنبه الهی» متفاوت از «جنبه حق‌اللهی» است. (نظریه ۷/۹۴/۱۳۰۳- ۷/۹۴/۵/۲۷.ح.ق).

قوانین مرتبط: از ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲: ماده ۲- هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. از آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹/۵/۱۴: ماده ۱۹- جرائم می‌تواند دارای سه حیثیت باشد. الف) حیثیت حق الهی: از جهتی که تجاوز به حدود و مقررات الهی است. ب) حیثیت عمومی: از جهتی که مخل نظم و امنیت عمومی و هتک حیثیت جامعه و روحانیت گردد. ج) حیثیت خصوصی: از جهتی که موجب ضرر مادی یا معنوی به شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی شود.

**ماده ۹-** ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوا شود:

**الف-** دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی

**ب-** دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص.

دعاوی دوگانه‌ی ناشی از جرم، از یکدیگر متفاوت‌اند: الف) از لحاظ لحاظ هدف، ماهیت، مدعی‌علیه با هدف: هدف از تعقیب دعوای